

پیش‌گفتار ۸

سخن مترجمان ۲۷

پیش‌گفتار نویسنده ۳۳

فصل اول: طرح کلی فرایند تحول اقتصادی ۴۱

بخش اول: موضوعات مورد بحث درباره فهم تحول اقتصادی ۵۳

فصل دوم: عدم اطمینان در جهان در حال تغییر ۵۷

فصل سوم: نظام‌های باور، فرهنگ، و علوم شناختی ۷۱

فصل چهارم: آگاهی و قصدمندی انسان ۹۱

فصل پنجم: چارچوب‌هایی که انسان‌ها ایجاد می‌کنند ۱۰۵

فصل ششم: استفاده از ذخایر دانش گذشته ۱۲۷

بخش دوم: مسیر پیش‌رو ۱۴۷

فصل هفتم: محیط انسانی در حال تکامل ۱۵۳

فصل هشتم: ریشه‌های نظم و بی‌نظمی ۱۶۶

فصل نهم: تلقی صحیح و تلقی اشتباه ۱۸۲

فصل دهم: صعود دنیای غرب ۱۹۸

فصل یازدهم: صعود و افول اتحاد جماهیر شوروی ۲۲۲

فصل دوازدهم: بهبود عملکرد اقتصادی ۲۴۱

فصل سیزدهم: در حال رفتن به کجا هستیم؟ ۲۵۵

منابع ۲۶۱

پیشگفتار

در علوم اجتماعی و انسانی، هنگامی که بنابر ارائه تبیین‌های راه‌گشا از مسائل مبتلابه انسان‌ها و جوامع باشد، دو الگوی عمده وجود دارد که از دل آنها تبیین‌های قابل اعتنا و واجد ویژگی‌ها و اعتبار علمی ارائه می‌شود. دانیل لیتل در کتاب ارجمند "تبیین در علوم اجتماعی" که با ترجمه‌ای فاخر به فارسی‌زبانان تقدیم شده است، این دو الگوی عمده را با عناوین تبیین‌های "علت کاو" و تبیین‌های "دلیل کاو" معرفی می‌کند که اولی بر وجوه مادی - معیشتی برای ارائه تبیین‌های عالمانه تاکید دارد و دومی وجوه معناشناختی را ارجح می‌شمارد.

شاید یکی از برجسته‌ترین نوآوری‌های نهادگرایان در کلیت خود و به ویژه نهادگرایان تاریخی آن باشد که به جای آن‌که به سنت تحلیل‌های نیوتونی، میان این دو الگو تباین و تغایر در نظر بگیرد، تلاش دارد تا با ارائه یک ترکیب خردمندانه از تبیین‌های علت کاو و دلیل کاو، سطح کارآمدتری از معرفت علمی را درباره امور مربوط به انسان و جامعه ارائه نماید.

یکی از موفق‌ترین کوشش‌ها در این زمینه کتاب حاضر قلمداد می‌شود که در زمره برجسته‌ترین آثاری است که اقتصاددان بزرگ فقید، داگلاس نورث در سال‌های پایانی عمر پر دستاورد خود به جامعه بشری تقدیم کرده، با این امتیاز برجسته که او برای عناصر دلیل کاوانه اولویت و اهمیت نسبی بیشتری قائل شده است. در فصل اول این کتاب او با رویکردی فرارشته‌ای تصریح می‌کند که "تحول اقتصادی" تابعی از سه مجموعه بنیادی از امور غیراقتصادی هستند که برای دستیابی به یک فهم روشمند، هر یک از آنها نظریه‌های خاص خود را می‌طلبد. این سه گروه تغییرات مورد نیاز از دیدگاه نورث عبارتند از: تحول در کمیت و کیفیت جمعیت، تغییر در ذخیره دانایی به ویژه دانش تسخیری و

ضمنی برای غلبه بر طبیعت و بالاخره تغییر در چارچوب نهادی که تعیین‌کننده ساختار تحول‌یافته انگیزشی جامعه است. او در این مسیر برای "فرهنگ" و عنصر ایده‌ها و اندیشه‌ها نقشی زیربنایی در نظر می‌گیرد و بر این باور است که در مسیر شکل‌گیری ساختار نهادی موجود، که نیازمند تغییرات بنیادی برای نیل به توسعه است، با تقدم ایده‌ها و عقاید از سوی کارآفرینان سیاسی و اقتصادی روبه‌رو هستیم به ویژه آن گروه از ایشان که در جایگاه سیاست‌گذاری قرار دارند و در این صورت‌پردازی از وضع موجود، نورث بر این نکته صحیح و با اهمیت تاکید می‌کند که زیربنای اصلی شکل‌گیری وضع موجود، ایده‌ها، اندیشه‌ها و عقایدی هستند که لازمه هرگونه تحول در وضعیت اقتصادی جامعه، آن است که ابتدا آنها تغییر کنند و در مسیر این تغییر، دوباره با تقدم ایده‌ها و اندیشه‌ها و عقاید روبه‌رو هستیم. به عبارت دیگر از دیدگاه نورث برای ایجاد هرگونه تغییر توسعه‌گرا در حیطه اقتصادی حیات جمعی انسان‌ها، ابتدا باید یک صورت‌بندی اندیشه‌ای منضبط و روشمند از وضع مطلوب فراهم شده باشد تا تغییر مطلوب، قابلیت عینیت‌بخشی پیدا کند.

از دیدگاه نهادگرایان و در نظر یکی از قله‌های اندیشه‌ای این گروه از متفکران و نظریه‌پردازان توسعه، یعنی داگلاس نورث فقید، تاریخ و روش تاریخی در تحلیل نهادها جایگاه برجسته و ممتازی دارد که هم ریشه‌های فهم ضرورت تغییر و هم سازو کارهای تحقق آن را آشکارتر می‌سازد. از این زاویه است که نورث در کتاب ممتاز خود با عنوان نهادها تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی توسل به تاریخ اقتصادی را برای فهم چرایی و چگونگی شکل‌گیری سرنوشت موجود ضروری می‌داند و هم برای برون‌رفت از آن، تاریخ را به منزله مخزن‌الاسراری می‌داند که چگونگی این تغییر را به نحو شایسته‌ای برملا می‌سازد. او در صفحه ۲۰۶ ترجمه فارسی این اثر تصریح می‌کند که تاریخ اقتصادی را می‌بایست به‌مثابه تلاشی برای توضیح الگوهای مختلف رشد و رکود و زوال در نظر گرفت که تک‌تک جوامع در طول زمان دچار آن شده‌اند و از دل مراجعه به تاریخ و کاوش در باب این‌که کنش‌های متقابل آدمیان چگونه به نتایج متفاوتی منجر می‌شوند، می‌توان از واقعیت‌های موجود و مطلوب رمزگشایی نمود.

نهادگرایان تاریخی و به‌ویژه نویسندگان ارجمند این کتاب از این زاویه یعنی برجسته‌کردن منزلت معرفت تاریخ اقتصادی، الگویی جدید از جایگاه رفیع تاریخ و معرفت تاریخی ارائه کرده‌اند. اگر به‌طور سنتی عالمان و کاوشگران علوم اجتماعی

و انسانی، تاریخ را به مثابه آئینه عبرت و ابزاری برای برون رفت از کاستی‌ها و محدودیت‌های الگوهای تک‌ساحتی و تک‌سببی درباره تغییر اجتماعی در نظر می‌گرفتند، از دیدگاه نهادگرایان جدید، تاریخ را می‌بایست به مثابه ابزاری در نظر گرفت که امکان شناخت قیدهایی را فراهم می‌سازد که بر سر راه انتخاب‌های آینده وجود دارند. این نکته بدیع و منحصر به فرد است که متفکران پیشین هرگز تا این حد از قابلیت، قادر به ارائه روشمند آن نبوده‌اند. کلید بحث از دیدگاه نهادگرایان جدید آن است که هر انتخابی که پیشینیان در جهت تعیین مسیر نظام حیات جمعی انجام داده‌اند، به اعتبار عنصر سرنوشت‌ساز ایجاد وابستگی به مسیر طی شده، به مثابه قیدها و محدودیت‌هایی برای انتخاب‌های بعدی درمی‌آیند و تنها جوامعی می‌توانند از عهده امر خطیر تغییرات توسعه‌گرا برآیند که ابتدا این قیدها را شناسایی کرده و برخوردی بایسته برای بازکردن این قفل‌های تاریخی در سطح اندیشه و عمل به صورت برنامه‌ای تمهید نموده باشند.

نورث در فصل اول کتاب حاضر به ویژه با بهره‌گیری از ذخیره دانایی ارجمندی که میراث نظریه‌پرداز بزرگ توسعه در قرن بیستم و از پیش‌تازان نهادگرایان و برنده جایزه نوبل، یعنی گونار میردال، اقتصاددان فقید سوئدی بود، این مساله را در کادر علیت انباشتی یا علیت برهم فزاینده^۱، صورت‌بندی جدیدی کرد و بر اساس آن تصریح کرد که تغییرات اقتصادی - اجتماعی، هم به تحلیل تاریخی از چرایی "شکل‌گیری" وابستگی به مسیر و هم به تحلیل "چگونگی خروج از وابستگی به مسیر" بازمی‌گردد و این دو سطح بزرگ از نیازهای معرفتی به تحلیل تاریخی، به مثابه مرزهای مشترک و مورد توافق علت‌کاوان و دلیل‌کاوان نیازمند است. نورث برای صورت‌بندی بنیان‌های اندیشه‌ای موضوع تغییر نهادی، که قرار است نیروی محرکه تحول اقتصادی گردد، بر روی دو رکن اندیشه‌ای مساله تغییر نهادی پافشاری می‌کند؛ اول آن که بر محور نظام باورها، فرصت‌ها و تهدیدها شناسائی می‌شود و سپس بر اساس سطح و کیفیت شناختی که حاصل شده است، نسبت به تک‌تک آنها واکنش نشان داده خواهد شد.

از این زاویه نهادگرایان برای دستیابی به شناخت عالمانه و هر چه نزدیک‌تر به واقعیت در امور انسان و حیات جمعی او، جایگاه رفیع و منحصر به فردی برای

چارچوب نظری قائل می‌شوند و ایجاد واقع‌بینی در صورت‌بندی نظری واقعیت را رمز اصلی ارتقاء فهم ما از مساله و امکان‌پذیرکننده برون‌رفت از دورهای باطل توسعه‌نیافتگی در نظر می‌گیرند. در این مسیر یکی از مهم‌ترین کوشش‌های اصلاحی نهادگرایان، که شاید بزرگ‌ترین خدمت ایشان به معرفت اقتصادی و اندیشه توسعه محسوب می‌شود، تلاش آنها برای ایجاد واقع‌بینی در میان انسان‌ها در فرآیند انتخاب‌هایشان است. بنیادگرایان بازار برای دوره زمانی بسیار طولانی، اندیشه‌ورزان را با فرض غیرواقعی اطلاعات کامل دل‌مشغول و دل‌خوش کرده بودند اما نهادگرایان جدید در سطحی منحصر به فرد و خارق‌العاده تلاش کرده‌اند تا انسان‌ها و به ویژه نخبگان را از این توهم فرصت‌سوز و هزینه‌ساز خارج کنند. نهادگرایان جدید به صورتی روشمند و خارق‌العاده نشان دادند که انسان‌ها اطلاعات ناقصی دارند و دلیل اهمیت مساله عدم اطمینان‌ها هم همین نقص اطلاعات است که آنها را از دست زدن به هر نوع انتخابی بیم‌ناک می‌سازد. به عبارتی مهم‌ترین فلسفه وجودی نهادها و کوشش‌هایی که انسان‌ها در طول تاریخ برای نهادسازی کرده‌اند، همین است که از طریق نهادها بتوانند بر مانع‌تراشی عدم اطمینان‌ها برای امکان‌پذیری انتخاب‌ها غلبه پیدا کنند. در ادامه مسیر پرزحمت و البته پرده‌ستوری که نهادگرایان انتخاب کرده‌اند تا از جامعه بشری در زمینه برخورداری از اطلاعات کامل توهم‌زدائی کنند، نهادگرایان جدید نشان دادند که همین اطلاعات ناقص نیز از توزیع نامتقارنی برخوردار است که نیروی محرکه رفتارهای فرصت‌طلبانه و انتخاب‌های نادرست می‌شود و برای مواجهه با این مسائل است که روشن می‌شود چرا انسان‌ها برای پیش‌برد امر اقتصادی، هم به اخلاق نیازمندند و هم به یک طرف سوم در مبادله‌ها نیاز دارند که به دعاوی و اختلافات رسیدگی کند و با برطرف ساختن آنها امکان شکل‌گیری انتخاب‌ها را فراهم سازد. اگر این طرف سوم یعنی دولت قادر به رعایت بی‌طرفی در حل و فصل اختلاف‌ها باشد جامعه به سمت توسعه رهنمون می‌گردد و اگر نهاد دولت چنین صلاحیتی نداشته نباشد، جامعه را به سمت اضمحلال می‌کشاند.

یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ نهادگرایان این است که از نهاد دولت تاب‌بوزدائی و توهم‌زدائی کرده‌اند. نورث در کتاب ارجمند "ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی"، مضمونی را با عنوان پارادوکس دولت صورت‌بندی کرده

که نشان می‌دهد دولت نه شر مطلق است، آن‌گونه که بنیادگرایان بازار مطرح می‌کردند و نه خیر مطلق است، آن‌گونه که در آموزه‌های سوسیالیستی توهم آن وجود داشت. وجود نهاد دولت از دیدگاه نهادگرایان جدید برای ایجاد بستر همکاری و عبور از آن‌چه که نورث با عنوان "معضل تعاون" در کتاب مورد اشاره صورت‌بندی کرده بود، ضروری است اما این وجود خصلتی پارادوکسیکال دارد و تحت شرایطی می‌تواند از طریق امکان‌پذیر ساختن تعاون و همکاری بستری برای جهش بهره‌وری فراهم سازد. نیز ممکن است با شکست دولت در انجام مأموریت‌های بنیادی خود، یک جامعه به سمت اضمحلال کشیده شود. البته این افراط‌گرایی دیگر بنیادگرایی بازار نیز که همه دستاوردهای اقتصادی جوامع را منحصر و محدود به امر رقابت در نظر گرفته بود، بسیار پیش‌تر از نهادگرایان جدید، توسط آدام اسمیت مردود دانسته شده بود و این اقتصاددان بزرگ که برای او جایگاه تاسیسی در علم اقتصاد مدرن در نظر گرفته‌اند، با برجسته‌کردن معجزه تقسیم کار نشان داده بود آن‌چه جامعه بشری را به انباشت ثروت و فاصله‌گیری از دیگران به لحاظ قدرت اقتصادی هدایت می‌کند، ترکیب خردمندانه‌ای از رقابت و همکاری است و البته در همین زمینه، هم فروض بنیادگرایی بازار و هم تجربه‌های عملی تحقق‌یافته در طول تاریخ بشر نشان داد که رقابت نیز تنها در صورتی که در یک شرایط برابر و عادلانه باشد، نیروی محرکه توسعه خواهد شد و برای تحقق رقابت عادلانه، همه جوامع سخت به وجود نهاد دولت نیازمند هستند. پس اصل وجود دولت، هم به لحاظ بسترسازی برای همکاری و هم به لحاظ اطمینان‌بخشی به وجود شرایطی عادلانه برای رقابت، مورد نیاز است و تفاوت عملکرد جوامع تابعی از چگونگی ایفای نقش و سطح قابلیت دولت در انجام وظایف محوله خواهد بود.

بنابراین راه تحقق اهداف توسعه کنار گذاشتن دولت نیست بلکه تلاش برای توانمندسازی دولت در جهت انجام وظایف محوله و تمهید ابزار کارآمد اعمال نظارت‌های تخصصی بر دولت توسط جامعه مدنی برای کنترل رفتارهای ناهنجار و ضد توسعه‌ای دولت به شمار می‌رود.

در فصل دوم کتاب حاضر مساله نااطمینانی در جهان همواره متغیر، مورد بررسی قرار می‌گیرد که ایده‌های بسیار خارق‌العاده‌ای به ویژه در زمینه تفکیک

وجوه فردی و اجتماعی نااطمینانی‌ها در آن مطرح شده است. نورث در این فصل نشان می‌دهد که تفکیک وجوه گوناگون حیات جمعی انسان‌ها یک تفکیک اعتباری و قراردادی است. بنابراین باید توجه داشته باشیم که در نفس الامر، این وجوه که به صورت اعتباری تفکیک شده‌اند، به یک رفتار ترکیبی و یکپارچه منجر می‌شود که عبارت از رفتار انسانی و اجتماعی افراد است. نویسنده در این فصل نیز با زیربنا دانستن امور اندیشه‌ای به شکلی بدیع و خارق‌العاده نشان داده است که ذهن انسان‌ها در ذات خود فرارشته‌ای است و به همین خاطر است که می‌تواند منشأ درک یک‌پارچه از کلیه امور باشد. او با برجسته کردن نقش عنصر یادگیری در کاهش عدم اطمینان‌هایی که فراروی انتخاب‌های بشری قرار دارد، نشان می‌دهد که این یادگیری‌ها در کلی‌ترین سطح قابل تفکیک به دو نوع هستند که نوع اول حاصل تجارب برگرفته از محیط طبیعی است و نوع دوم نیز به تجارب برگرفته از محیط زبانی، فرهنگی و اجتماعی تعلق دارد و تجربیات دو گانه فوق را منشأ تفاوت در فرهنگ‌ها می‌داند. شاید شاه‌بیت نکاتی که در این فصل مطرح شده، آن است که هر قدر جوامع به سمت پیچیدگی بیشتر حرکت می‌کنند، بر ضریب اهمیت نااطمینانی افزوده می‌شود و به همین نسبت، ضریب اهمیت برپایی مناسبات غیرقائم به شخص برای برون‌رفت از این عدم اطمینان‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. نورث نشان می‌دهد سطح تاب‌آوری^۱ در هر جامعه، تابعی از سطح پیش‌بینی‌پذیری امور است و راه دستیابی به تاب‌آوری در حد مطلوب و افزایش قدرت انعطاف و توان رقابت و مقاومت هر جامعه نیز تابعی از اندازه مناسبات غیرقائم به شخص خواهد بود. بنابراین میزان صداقت و آگاهی حکومت‌ها در جامعه‌های متقاضی آن نظم، توان رقابت، مقاومت و انعطاف بیشتر با سطح تلاش آنها برای برپایی نظم‌های اجتماعی غیرقائم به شخص قابل سنجش و ارزیابی خواهد بود.

در فصل سوم این کتاب ارزشمند، مشکل‌آفرینی اصلی و اساسی بنیادگرایی بازار، حساسیت‌زدایی نسبت به عدم اطمینان‌ها معرفی می‌شود و از این زاویه، نورث برای نظام‌های آموزشی در ایجاد وفاق جمعی نقشی منحصر به فرد قائل می‌شود و از این زاویه بحث‌های ارزشمند و خارق‌العاده‌ای درباره ابعاد اهمیت و

کارکردهای نظام عقاید و باورها، فرهنگ و علوم شناختی ارائه می‌کند.

در فصل چهارم، نویسنده مساله آگاهی و هدفمندی انسان را در مرکز توجه قرار داده و با برجسته کردن خصلت دوگانه آگاهی‌ها نشان می‌دهد که آگاهی انسان‌ها بر حسب چگونگی شکل‌گیری، هم ریشه خلاقیت انسان‌ها و تمدن‌ها محسوب می‌شود و هم منشأ کوتاه‌نگری‌ها، پیش‌داوری‌ها و تعارض‌ها به شماره می‌آید. از دیدگاه نورث، فرآیند یادگیری، تابعی از چگونگی تفسیر اطلاعات با تکیه بر نظام باورها و تابعی از چگونگی فهم ما از تجربیات خود و دیگران است. از این زاویه او تقلید و پیروی به صورت چشم‌پسته و ناآگاهانه را نیروی محرکه رکود و انحطاط به‌شمار می‌آورد. چرا که این رویکرد هم نسبت به پویایی و تغییر غیرحساس است و می‌توان افزود که هزینه‌فرصت آن در عصر شتاب تاریخ بسیار بیشتر از هر دوره تاریخی دیگر بالا رفته است و هم به باور نورث، تقلید و پیروی چشم‌پسته نسبت به نوآوری‌های نهادی مورد نیاز، غیرحساس است. مسائلی که در این فصل مطرح شده، نشان می‌دهد که چرا سازه‌های ذهنی انسان‌ها که مبنا و معیار تفسیرهای ما از اطلاعات می‌شوند و انتخاب‌ها را شکل می‌دهد تا این درجه از اهمیت برخوردار است.

در فصل پنجم، داگلاس نورث چارچوب نهادی را در مرکز توجه قرار می‌دهد. چارچوب نهادی از دیدگاه او ترکیبی از بایدها و نبایدها را برای عمل انسانی و اجتماعی تعیین می‌کند که تجلی‌گاه‌های آن در زبان، نظام باورها و تولیدات مادی هر جامعه قابل مشاهده است. شاه‌بیت کلام او در این فصل آن است که نسبت به برخوردهای مطلق‌انگارانه درباره نقش فرهنگ در عملکرد اقتصادی هشدار می‌دهد. نورث با برجسته کردن رابطه تعیین‌کننده سطح فهم ما از وابستگی به مسیر با سطح امکان‌پذیری شکل‌دادن به تغییرات مطلوب، تاکید می‌کند که برای حرکت به سمت توسعه، فرهنگ عنصری ضروری و زیربنایی اما ناکافی است و به تعبیر خارق‌العاده و حیرت‌انگیز او، هر قدر که جامعه به سمت پیچیدگی بیشتر حرکت می‌کند نیاز به تمهیداتی فراتر از قواعد رسمی و فرهنگ، افزایش می‌یابد و بر وزن و ضریب اهمیت قواعد رسمی و اجراء افزوده می‌شود.

در فصل ششم مساله ذخیره دانایی مورد توجه است. از دیدگاه نورث بنیادگرایی بازار سه مانع ذهنی بزرگ برای فهم درست تحول اقتصادی ایجاد

می‌کند که ریشه در رویکرد مکانیکی این آموزه به انسان و جامعه دارد. این موانع ذهنی عبارتند از: فرض به غایت نادرست عدم اصطکاک، ایستایی تحلیل‌ها و بالاخره دست‌کم شمردن تا مرز به حساب نیاوردن اراده انسان‌ها و سازوکارهای واقعی انتخاب آنها بر مبنای نهادها. نورث در این فصل کلید ماجرای توسعه را تمهید یک نظام ذخیره نمادین برای یکپارچه‌سازی دانش‌های پراکنده، ایجاد ساختاری پیچیده از نهادها و بالاخره نوآوری‌های نهادی کاهنده هزینه مبادله به شمار می‌آورد.

فصل هفتم به محیط انسانی در حال تحول می‌پردازد. کلید بحث در این فصل خطای دید به ویژه در میان متفکران و صاحب‌نظرانی است که گمان می‌کنند چون وزن و ضریب اهمیت بخش کشاورزی و بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی کاهش پیدا کرده، پس برای شکل‌دادن به توسعه، فعالیت‌های مولد در مقایسه با خدمات از اهمیت کمتری برخوردار شده است. او در این زمینه به شکلی بدیع و خارق‌العاده نشان می‌دهد که عنصر محوری در این خطا نادیده گرفتن نقش تاریخ‌ساز بهره‌وری‌های نهایی در صنعت و کشاورزی است که امکان دستیابی به محصول بیشتر با عوامل تولید و هزینه‌های کمتر را فراهم ساخته است. نورث نشان می‌دهد که ریشه اصلی رشد خدمات نیاز هر چه بیشتر تولیدات صنعتی و کشاورزی به خدمات است و به عبارت دیگر، فلسفه وجودی رشد خدمات، پیشینیان از تولید است و اگر تولید در مرکز توجه قرار نداشته باشد اساساً خدمات نیز موضوعیتی نخواهد داشت. کلید بحث در این زمینه آن است که با جهش تولید، مبادله‌ها نیز به صورت جهشی افزایش پیدا کرده و به‌طور طبیعی هزینه‌های مبادله نیز افزایش بی‌سابقه یافته است. فعالیت‌هایی مانند بیمه، بانک‌داری، مالیه، حسابداری، وکالت، عمده فروشی و خرده فروشی و... همگی در خدمت تسهیل مبادله و کاهش هزینه‌های آن است.

در فصل هشتم نورث تلاش می‌کند که یک تبیین روشمند از مساله نظم و بی‌نظمی در ساختار سیاسی ارائه دهد و با برجسته‌کردن اهمیت خارق‌العاده تضعیف هنجارهای همکاری، کنار گذاشتن قواعد موجود بدون فراهم‌کردن جایگزین‌های مناسب و اقداماتی که از اعتبار قواعد حاکم می‌کاهد، این سه اقدام

را به عنوان منشاءهای بی‌نظمی معرفی می‌کند و مهم‌ترین پیامدهای بی‌ثباتی سیاسی را سقوط رشد مولد و با کیفیت، سلطه رانت‌جویی، تشدید مناسبات اقتدارگرا و قائم به شخص و افزایش نابرابری‌های توزیع درآمد به شمار می‌آورد.

در فصل‌های نهم و دهم او چگونگی برون‌رفت از بی‌ثباتی سیاسی را در مرکز توجه قرار داده و در فصل یازدهم یک صورت‌بندی نهادی، بدیع و خارق‌العاده از فراز و فرود اتحاد جماهیر شوروی ارائه می‌کند و بالاخره در فصل دوازدهم با عنوان بهبود عملکرد اقتصادی، لوازم آن را در کادر چهار مولفه تعیین‌کننده معرفی می‌کند که عبارتند از شناخت هر چه عمیق‌تر از ریشه‌های عملکرد ضعیف اقتصادی، شناخت میراث فرهنگی جامعه برای ممکن ساختن تحول، یک‌پارچه‌سازی دانش پراکنده برای کاهش هزینه‌ها و بالاخره تمهید نهادهای کارآمد با تاکید بر اهمیت مساله اجرا که در واقع به‌گونه‌ای جمع‌بندی کل مباحث پیشین است.

نورث قبل از این کتاب در مجموعه آثار پیشین خود دیدگاه نهادی را درباره تغییر نظام حیات جمعی تابعی از عواملی همچون نهادها، یادگیری، حوادث تاریخی، انتخاب طبیعی، قیمت‌های نسبی، قوانین و نهادهای رسمی و نحوه اجرای آنها، ایدئولوژی و مرام‌های جمعیتی و تغییر در منابع معرفی کرده بود و به شرحی که ملاحظه خواهد شد، ترکیبی روشمند و استثنائی از همه این مباحث را با تمرکز بر وجه اقتصادی آن در این کتاب در دستور کار قرار داده است. این اثر یعنی "فرایند فهم تحول اقتصادی" آخرین اثر مهم داگلاس نورث قبل از پرداختن به مساله خطیر و خارق‌العاده صورت‌بندی نظری توسعه بر محور خشونت به حساب می‌آید که شامل مجلدات دوگانه نورث است که به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ انتشار یافتند و از جهاتی عمیق‌ترین و راه‌گشا‌ترین صورت‌بندی‌ها از مساله توسعه و توسعه‌نیافتگی به حساب می‌آید.

در خاتمه باید از بنیان خیر انتشار این اثر سپاس‌گزاری ویژه نمود که بستری ارزشمند برای فهم ریشه‌های توسعه و توسعه‌نیافتگی برای فارسی‌زبانان گرامی فراهم ساخته‌اند. بی‌گمان فهم عالمانه آثار سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ نورث بدون آشنایی با مباحث ارزشمندی که در کتاب حاضر صورت‌بندی شده است، وافی به مقصود نخواهد بود.

از همین‌رو سپاس ویژه خود را تقدیم مترجمان گرامی این اثر و جناب

آقای محسن ایزدخواه، مدیرعامل محترم انتشارات نهادگرا می‌کنم و از خداوند متعال برای همه آنها و همین‌طور مترجمان گرامی دو کتاب "خشونت و نظم‌های اجتماعی" و "در سایه خشونت" مزید توفیقات مسئلت می‌نمایم. این تلاش‌های ارجمند فرهنگی به ویژه برای ایرانیان فرصتی به غایت مغتنم محسوب می‌شود چرا که می‌توانند با بهره‌گیری از این ذخائر ارزشمند دانایی، بستر معرفتی لازم برای برون‌رفت از چالش‌های خطیر و بعضاً خطرناک موجود در کشورمان را فراهم سازند. امید آن‌که با تلاش‌های بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر اهل اندیشه و فرهنگ، بنیه اجتماعی و اقتدار عملی علم در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع در کشورمان به اندازه‌ای افزایش یابد که بتواند اقتدار رانت‌جویی و مفت‌خوارگی را به پایین کشیده و راه نجات کشور را از انبوه بحران‌های کوچک و بزرگ موجود هموار سازد.

فرشاد مؤمنی

بهار ۱۳۹۶